

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هند چگونه می‌اندیشد؟

◇
گزیده پژوهش‌های جهان: هند چگونه می‌اندیشد؟

بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -

معاونت پژوهشی

مؤلف: حسین عسگریان

تاریخ انتشار: ۹۵/۴/۲۲

تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۵۶۲۰۵

صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵

نشانی اینترنت: www.tisri.org

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به هر صورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.



خلاصه اجرایی

در سال‌های اخیر هند با دنبال نمودن یک برنامه مشخص اجرایی، اقتصادی و اصلاحی، در حال بازآفرینی و تعریف دوباره جایگاه خود در سیاست جهان است. با این حال محدودیت‌های اجتماعی، نهادی و ساختاری تا حد بسیار اصلاحات اقتصادی را با مانع مواجه ساخته است. متن حاضر شامل مجموعه مقالاتی است که تلاش دارد با ارتقاء فهم از منافع بلندپروازی‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌های پیش‌روی سیاست خارجی، اقتصادی و سیاست‌های داخلی جامعه هند، جهت‌گیری سیاست خارجی و اقتصادی این کشور را مشخص نماید. برخی از نکات مهم مطرح در این گزارش به شرح زیر است:

- نیاز به رشد اقتصادی یک ضرورت فوری برای هند است. آموزش، ارتقاء مهارت و تهیه شغل برای میلیون‌ها جوان، از نگرانی‌های مهم این کشور محسوب می‌شوند؛ از دیگر دغدغه‌های قابل ذکر امروزی هند مسائل بهداشتی، مسائل زیست‌محیطی و تغییرات جوی و محافظت از زنان در برابر تجاوزات جنسی می‌باشد.

- جدا از چالش‌های داخلی حضور پر قدرت هند در حوزه بین‌الملل، خواست آنها برای دریافت کرسی دائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد و ظهور در نقش هژمون منطقه‌ای در جنوب آسیا نیز از جمله موضوعات مورد توجه دولت‌ها در این کشور است.

- اگرچه عقلانیت سیاست خارجی گاندی- نهرو همچنان باقی‌مانده اما ۱۵ سال سیاست‌های آزادسازی اقتصادی به سیاست خارجی هند محرک‌های جدیدی بخشیده است. با این حال نارندرا مودی عدم خشونت را به عنوان یک اصل راهنما در سیاست خارجی خود بازسازی کرده است که این امر موضوعی مهم و تأثیرگذار بر سیاست‌های جهانی خواهد بود. - سیاست خارجی هند شدیداً به دنبال رهاسازی هند از مشکلات جذب سرمایه برای

زیرساخت‌های حیاتی کشور و در حال مهیاسازی بهشت برای سرمایه‌گذاران نامتعارف حتی از چین است. دهلی‌نو در راستای ایجاد یک اتحاد عمل‌گرایانه با پکن نشان داده، نه تنها بر ترس خود از قدرت چین غلبه کرده بلکه در حال بازسازی نظم جهانی است.



- در انتخابات عمومی سال ۲۰۱۴، توسعه، نوع حکمرانی و مبارزه با فساد جزء مهم‌ترین مطالبات مردم محسوب می‌شد که در اصل برآمده از شرایط جامعه است.

- ماهیت سیاست در هند نشان می‌دهد که کاهش فقر فقط مستلزم الزامات اقتصادی نبوده و ضرورت‌های سیاسی نیز در این امر تأثیر بسزایی می‌گذارند. علاوه بر این، ماهیت جریان مالی در یک دنیای جهانی‌شده نیز در این امر نقش مؤثری دارد.

- هند توان ایفای نقش در دو موضوع بسیار مهم جهانی را داراست: اول مهار سیاست‌های تهاجمی چین در دریای چین جنوبی و دوم استفاده از تجربیات آن برای کمک به غرب در مقابله با اسلام‌گرایی رادیکال.

- هند می‌تواند یک نقش قاطع در رقابت ایران - رژیم اسرائیل از یک طرف و به‌عنوان میانجی در رفع اختلافات ایران - عربستان از طرف دیگر بازی کند. قرارداد همکاری دفاعی این کشور با عربستان سعودی و روابط دوستانه‌اش با ایران، باعث می‌شود دهلی نو فراتر از اختلافات شیعی - سنی به تعامل ایران و عربستان کمک نماید.

- از سه دهه پیش تاکنون نگرانی امنیتی اصلی هند تلاش پاکستان برای بی‌ثباتی در این کشور، به‌خصوص در کشمیر، پنجاب و دیگر نقاط بوده است. دومین منبع نگرانی هند در قبال پاکستان موضوع افغانستان پس از ناتو است جایی که پاکستان تلاش می‌کند تا کنترل رژیم کابل را از طریق نیروهای نایب خود کسب نماید. سومین موضوع نگرانی هند، ادامه اختلافات مرزی این کشور با پاکستان و چین است که می‌تواند منجر به ناامنی در این کشور شود. در نهایت ظهور دولت اسلامی یا داعش تهدیدی بالقوه برای هند خواهد بود چراکه این گروه توان کسب جای پای ایدئولوژیک در این کشور را دارد.

- دولت جدید هند تعامل با همسایگان خود را در صدر اولویت‌های سیاست خارجی قرار داده است. برخلاف رهبران قبلی هند، مودی تمایل دارد تا از سیاست خارجی به‌عنوان ابزاری برای ایجاد و جذب سرمایه، تجارت و فناوری برای رشد و توسعه داخلی استفاده نماید. مودی برای رسیدن به همکاری منطقه‌ای با پاکستان به‌جای تمرکز صرف بر تقویت دولت غیرنظامی پاکستان نیاز به تعامل با ارتش این کشور و شناسایی آنچه آنها از هند می‌خواهند را دارد.



هند چگونه می‌اندیشد؟^۱

محورهای مهم پژوهش

در سال‌های اخیر هند با دنبال نمودن یک برنامه مشخص اجرایی، اقتصادی و اصلاحی، در حال بازآفرینی و تعریف دوباره جایگاه خود در سیاست جهان است. با این حال محدودیت‌های اجتماعی، نهادی و ساختاری تا حد بسیار اصلاحات اقتصادی آن را با مانع مواجه ساخته است. متن حاضر شامل مجموعه مقالاتی است که تلاش دارد با ارتقاء فهم از منافع، بلندپروازی‌ها، فرصت‌ها و محدودیت‌های برآمده در پیش‌روی سیاست خارجی، اقتصادی و سیاست‌های داخلی جامعه هند، جهت‌گیری سیاست خارجی و اقتصادی این کشور را مشخص نماید. این پژوهش حاصل سفر مطالعاتی اعضای شورای روابط خارجی اروپا (ECFR) و برخی دیگر از سیاستمداران و روزنامه‌نگاران اروپایی به هند در سال ۲۰۱۵ است. کتاب حاضر در ۱۴ مقاله و سه بخش: سیاست و هویت، اقتصاد و جامعه، و سیاست خارجی هند ارائه شده است. در ادامه برخی از نکات مهم در هر یک از این مقالات به اختصار آورده شده است:

- در واقع نمی‌توان گفت هند چگونه می‌اندیشد چرا که نه یکی، بلکه چندین هند وجود دارد که هر کدام خودآگاهی مختص به خود را دارند. در این راستا، اگر بخواهیم تنها فرهنگ و تمدنی را که در عین اعتقاد به وحدانیت خداوند، پلورالیسم را نفی نمی‌کند معرفی نماییم؛ فرهنگ هندو است. در این فرهنگ در حالی که خدایان بی‌شمارند، هیچ خدایی وجود ندارد. در هند مدرن امروز تنها تمدن موجود هندو نیست بلکه وجود مذاهب چندگانه با فرقه‌های مختلفی از اسلام، مسیحیت، یهودیت، بودائیسیم، سیک‌ها، ... و مردمی با زبان‌های متفاوت و جغرافیایی بزرگ، هند را به صورت کشوری با مجموعه‌ای از ملل درآورده است. با این حال و

1. Francois Go dement, "What Does India Think?", European Council on Foreign Relations, 2015.



در طول دویست سال گذشته تلاش‌هایی در جهت بخشیدن هویتی واحد به این کشور نیز صورت گرفته است. ایده هند به‌عنوان یک ملت واحد با ایده دو ملت هندو و مسلمان تلاقی کرده که در نهایت منجر به تقسیم این کشور و جدایی آن از پاکستان گردید. از آن زمان پاکستان اگرچه نه باعنوان دشمن اما به‌عنوان دیگری در نظر گرفته شد که بعدها این ایده جدایی هند براساس تفکر جواهر لعل نهرو مورد بازنگری قرار گرفت. هند کشوری سکولار با احترامی یکسان برای همه مذاهب است به‌ویژه، مسلمانانی که کشور را برای رفتن به پاکستان ترک نکردند. تسلط این ایده تقریباً به‌واسطه انحصار قدرت در دست حزب کنگره که در دوره ۶۸ ساله بعد از استقلال تنها هفت‌بار کنگره را از دست داد ادامه یافت. اما این ایده نهرو نه تنها به‌خاطر از دست دادن قدرت حزب کنگره در سال ۲۰۱۴، بلکه به‌دلیل حضور حزب رقیب آن بهاراتیا جاناتا (BJP)، به‌عنوان یک حزب ناسیونالیست هندو که توانست برای اولین بار در سی‌سال اخیر یک دولت بدون ائتلاف تشکیل دهد با چالش مواجه شد. براین‌اساس، امروزه این سؤال مطرح می‌شود که چرا هند یک ملت هندو نیست. در این زمینه تنش میان جامعه چندمذهبی - پلورالیستی و جستجو برای داشتن یک هویت واحد از زمان پیروزی حزب بهاراتیا جاناتا (BJP) به‌طور جدی مطرح گردید.

- جدا از مسئله هویت موضوع دیگری که امروزه در هند مهم به‌نظر می‌رسد، خواست رشد اقتصادی، کاهش فقر، و زندگی ایمن برای همه مردم است. بنابر گفته نویسندگان این کتاب، نیاز به رشد اقتصادی یک ضرورت فوری برای این کشور است چراکه دارای جمعیت جوان و رو به رشدی است که سه‌چهارم‌شان زیر سن سی سال قرار دارند. در کنار اینکه آموزش، ارتقاء مهارت و تهیه شغل برای میلیون‌ها جوان، از نگرانی‌های مهم این کشور محسوب می‌شوند، از دیگر دغدغه‌های امروزی هند می‌توان به مسائل بهداشتی، مسائل زیست‌محیطی و تغییرات جوی، و محافظت از زنان در برابر تجاوزات جنسی سخن به میان آورد.

- جدا از چالش‌های داخلی، حضور پر قدرت هند در حوزه بین‌الملل، خواست آنها برای دریافت کرسی دائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد و ظهور به‌عنوان هژمون منطقه‌ای در جنوب آسیا از جمله موضوعات مورد توجه دولت‌ها در این کشور است.

- اگرچه عقلانیت سیاست خارجی گاندی - نهرو همچنان باقی‌مانده اما ۱۵ سال سیاست‌های آزادسازی اقتصادی به سیاست خارجی هند محرک‌های جدیدی بخشیده است. باین‌حال نارندرا مودی عدم خشونت را به‌عنوان یک اصل راهنما در سیاست خارجی خود



بازسازی کرده است که این امر بر سیاست‌های جهانی تأثیرگذار خواهد بود. در این میان اگرچه بسیاری وی را متهم به نادیده گرفتن گذشته می‌کنند اما وی خود را مصمم به وفاداری به آسلاف خود می‌داند. بهترین مثال برای این امر و استمرار سیاست خارجی گذشته انتخاب وزیر خارجه‌ای است که مانموهان سینگ نخست‌وزیر سابق از وی برای مذاکره درباره توافقی آمریکا - هند استفاده کرده بود. در عمل این سیاست خارجی از طریق اعتمادسازی در دو سطح داخلی - خارجی، درصد کاهش خشونت است. سیاست خارجی هند شدیداً به دنبال رهاسازی هند از مشکلات با جذب سرمایه برای زیرساخت‌های حیاتی کشور و مهیاسازی بهشت برای سرمایه‌گذاران نامتعارف حتی از چین است. دهلی‌نو در راستای ایجاد یک اتحاد عمل‌گرایانه با پکن نشان داده که نه تنها بر ترس خود از قدرت چین غلبه کرده بلکه در حال بازسازی نظم جهانی است.

- هند در مقایسه با چین یک کشور کاملاً غیر خشونت‌طلب است که بهترین نمونه آن را در سیاست هسته‌ای این کشور مشاهده می‌نماییم. در سال ۲۰۱۰ هند به سوی «مفهوم بازدارندگی حداقلی معتبر» حرکت کرد که در آن استفاده از ضربه اول هسته‌ای علیه کشورهای غیرهسته‌ای محدود شده است. این افزایش توان دفاع بدون دامن‌زدن به خشونت نیز الهام‌بخش ابتکارات دیگر در زمینه سیاست خارجی این کشور بوده است.

- مودی در نتیجه سه رویداد مهم به قدرت رسید: اول اینکه هند از آمار بسیار بالای افراد جوان سود، یا بسته به نوع نگرش، رنج می‌برد. بسیاری از این جوانان بعد از سال ۱۹۹۱، زمانی که کشور شروع به فرایند اصلاحات اقتصادی نمود به دنیا آمده و به سن رأی رسیده‌اند. آنها برای حل مشکل اشتغال نیاز به یک تغییردهنده بازی داشته و مودی را انتخاب کردند؛ دوم شهرنشین شدن مردم این کشور که طبقه متوسط را گسترده‌تر کرده و آنها خواستار توجه به مسائل اقتصادی کلان می‌باشند؛ و سوم فناوری و رشد سیستم‌های ارتباطاتی از جمله رسانه‌های اجتماعی است که در حوزه تجارت به اقتصاد الکترونیک شکل داده، و باعث بروز و ظهور تغییرات فرهنگی در این کشور شده است. وی در مبارزات انتخاباتی خود بر همه این موارد احاطه داشت و از آنها استفاده کامل نمود.

- بسیار سخت است که در روستاهای هند حتی دورافتاده‌ترین مناطق آن، روستایی پیدا کنید که مدرسه نداشته باشد، مدارس ابتدایی با داشتن حداقل زیرساخت‌های اصلی و مقدماتی یک محل آموزشی همه‌جا دیده می‌شوند که این خود دستاوردی بزرگ برای



کشوری با چنین وسعت و تنوع است. اما موفقیت هند در گسترش دسترسی به مدارس و آموزش منجر به ایجاد یک چالش جدید برای این کشور شده و آن کشمکش بر سر استانداردهای تأمین انتظارات رو به افزایش در این حوزه است. مدارس در هند نتایج مورد انتظار را تأمین نمی‌کنند. آمارها نشان می‌دهد که حتی بعد از ۵ سال تنها نیمی از کودکان به آن سطح از خواندن و حساب کردن که انتظار می‌رود در دو تا سه سال به آن برسند، دست پیدا می‌کنند. علل این موضوع به خانواده‌ها و مدارس برمی‌گردد. حدود ۵۰ درصد کودکان روستایی در هند دارای مادرانی با سطح سواد اندک هستند که نمی‌توانند از کودکان خود پشتیبانی نمایند. ضمن اینکه والدین بی‌سواد قادر نیستند که عدم پیشرفت کودک خود را درک نمایند. ساختار بدون انعطاف مدارس این کشور و عدم امکان رسیدگی و پرداختن معلمان به کودکان در سطح پایین‌تر از دیگر مشکلات در این زمینه است.

- در انتخابات عمومی سال ۲۰۱۴، توسعه، نوع حکمرانی و مبارزه با فساد جزء مهم‌ترین مطالبات مردم محسوب می‌شد که در اصل برآمده از شرایط جامعه است. بخش‌های زیادی از هند از جریان اصلی رشد و توسعه به دور هستند با از ۶۰۰ هزار روستای این کشور حدود ۱۰۰ هزار روستا همچنان محروم از جریان توسعه‌اند. مهم‌تر اینکه علت فقر مردم عمدتاً به‌خاطر فقدان دسترسی به زیرساخت‌های فیزیکی (حمل و نقل، آب، برق) زیرساخت‌های اجتماعی (آموزش، مهارت، بهداشت) تولیدات مالی، منابع طبیعی، فناوری، تکنولوژی ارتباطاتی، سیستم قضایی و بازارها است. حدود ۱۰۰ هزار روستا در هند با جمعیت کمتر از ۵۰۰ نفر وجود دارد که این امر هزینه انتقال کالا و خدمات به این مناطق را از نظر اقتصادی توجیه نمی‌کند. هر دولتی در هند باید اولویت را به انتقال کالا و خدمات به مناطق محروم اختصاص دهد. مهم‌تر از همه، این کالا و خدمات باید تأمین مالی گردند که در اینجا نیاز آشکار به حذف معایبها و اصلاح نظام یارانه‌ای کاملاً احساس می‌شود؛ با این حال دولت در همه سطوح فاقد توان اداری و حکمرانی برای انجام چنین اصلاحات ضروری است. در این میان دولت باید اول به روند آزادسازی اقتصادی ادامه دهد؛ دوم یارانه‌ها را قطع نماید و سوم باید نقش خود را در شناسایی افراد نیازمند و مستحق دریافت یارانه ایفاء نماید.

- ماهیت سیاست در هند نشان می‌دهد که کاهش فقر فقط مستلزم الزامات اقتصادی نبوده و ضرورت‌های سیاسی نیز در این امر تأثیر بسزایی می‌گذارند؛ برای رسیدن به این هدف دولت باید میان نهادهای مختلف آشتی برقرار نموده و زمینه بازی عادلانه از طریق قوانین



کارآمد بازارها را تضمین و سیاست‌های انتقالی و مالیاتی را برای باز توزیع منابع از ثروتمندان به فقرا در پیش گیرد. در سال‌های اخیر شاخص‌ها در زمینه رشد اقتصادی و نابرابری نشان‌دهنده کاهش اقتدار دولت چه در زمینه تسهیل رشد اقتصادی و چه به‌عنوان ابزار اصلی باز توزیع منابع هستند. این نه تنها به این دلیل است که مسائلی چون باز توزیع در دولت هند به‌عنوان هدفی ثانویه نگریسته می‌شود بلکه دلیل دیگر آن وجود ایدئولوژی نولیبرال است که توان دولت را برای دخالت در راستای تضمین عدالت اجتماعی محدود می‌نماید. بنابراین می‌توان گفت که اگرچه بخشی از مشکلات مربوط به نابرابری، ریشه در سیاست‌های داخلی دارد، ماهیت جریان مالی در یک دنیای جهانی‌شده نیز در این امر نقش مؤثری دارد.

- موضع این کشور در مذاکرات مربوط به تغییرات جوی مبتنی بر اهمیت دسترسی به انرژی برای توسعه انسانی است. در این زمینه داده‌ها از جمله: وابستگی مثبت میان دسترسی به انرژی و شاخص توسعه انسانی (HDI) از این موضوع حمایت نموده و برآوردهای مختلف نشان می‌دهند که چه میزان انرژی برای تأمین نیازهای اساسی انسانی لازم است. نتایج نشان‌دهنده این مطلبند که براساس شاخص‌های فوق مصرف زغال‌سنگ هند، برای تأمین نیازهای انرژی‌اش زیاد نیست. این کشور علی‌رغم داشتن بزرگ‌ترین ذخایر زغال‌سنگ در جهان کمتر از یک پنجم چین مصرف زغال‌سنگ دارد.

- هند توان ایفای نقش در دو موضوع بسیار مهم جهانی را داراست: اول مهار سیاست‌های تهاجمی چین در دریای چین جنوبی و دوم استفاده از تجربیات آن برای کمک به غرب در مقابله با اسلام‌گرایی رادیکال.

- فرصت‌های استراتژیک میان‌مدتی هم در شرق و هم در غرب برای هند وجود دارند که اولین آن تأثیرگذاری بر کریدور اقتصادی چین و پاکستان (CPEC) است؛ کریدوری که بر ادعاهای سرزمینی چین در دریای چین جنوبی تأثیرگذار است. چین ۳۴ میلیارد دلار در ساخت جاده، خطوط ریلی و خطوط لوله که از پاکستان گذشته و نفت و گاز را از بندر گوادر به شهر کاشغر انتقال می‌دهند، سرمایه‌گذاری کرده است. این امر وابستگی چین به تنگه مالاکا را کاهش می‌دهد. حل این موضوع از طریق کریدور پاکستان می‌تواند کشورهای دیگر را در استفاده از مالاکا به‌عنوان اهرم فشار بر چین کاهش داده و به تشدید سیاست‌های ستیزه‌جویانه چین در دریای چین جنوبی کمک نماید. در این میان هند در رأس اقیانوس هند قرار گرفته است و حتی با وجود کریدور اقتصادی پاکستان، باز حجم زیادی از مواد و دیگر منابع صادراتی



چین همچنان باید از اقیانوس هند، دریای عدن و خلیج بنگال عبور کند. این امر فرصت بی‌مانندی برای هند ایجاد می‌کند که به‌عنوان یک متوازن‌کننده علیه سیاست‌های تهاجمی چین در دریای چین جنوبی عمل نماید. در این میان با وجود پیوندهای اقتصادی هر یک از کشورهای منطقه با چین، همکاری امنیت جمعی می‌تواند برای هند و کشورهای جنوب شرقی، شرقی و شمال آسیا و حرکت به‌سوی یک تعامل استراتژیک نزدیک‌تر ضرورت پیدا کند. از منظر هند این کشور می‌تواند مفهوم «هند - پاسیفیک» به‌عنوان منطقه‌ای شامل دو اقیانوس، را به یک واقعیت اقتصادی و استراتژیک تبدیل نماید.

- ظهور افراط‌گرایی اسلامی فرصت دیگری را در اختیار چین قرار داده است. وجود القاعده، داعش، طالبان و شمار بسیاری از گروه‌های اسلام‌گرای آماده برای گسترش نفوذ خود در منطقه، می‌تواند کشورهایی از اروپا و چند دموکراسی در آسیای غربی را به این نتیجه برساند که گزینه‌ای جز همکاری نزدیک‌تر با یکدیگر ندارند. در این راستا هند نه‌تنها به‌عنوان یک الزام برای همکاری امنیتی نزدیک‌تر مطرح می‌گردد بلکه به‌خاطر قرن‌ها تعامل با اسلام افراطی و چند مذهبی‌گری می‌تواند تجربیات بی‌مانند خود را در اختیار شرکا قرار دهد. هند شاید تنها کشوری در جهان باشد که از هزار سال بعد از میلاد توانسته اسلام را در فرهنگ خود، بدون تغییرات بنیادی بر رسوم اجتماعی کشور، هضم نماید. هند تجربیاتش را در زمینه یافتن راهی برای تعامل محترمانه با اسلام در بلندمدت بعد از واقعه یازدهم سپتامبر در اختیار آمریکا قرارداد اما نگاه یک‌جانبه دولت بوش در گرفتن این تجربیات عاجز بود.

- هند می‌تواند یک نقش قاطع در رقابت ایران - رژیم اسرائیل از یک‌طرف و به‌عنوان میانجی در رفع اختلافات ایران - عربستان از طرف دیگر بازی کند. قرارداد همکاری دفاعی این کشور با عربستان سعودی و روابط دوستانه‌اش با ایران، باعث می‌شود فراتر از اختلافات شیعی - سنی به تعامل ایران و عربستان کمک نماید. همچنین می‌تواند به این خاطر که یکی از بزرگ‌ترین جمعیت‌های مسلمان سنی را در خود جای‌داده و نیز دومین کشور با جمعیت مسلمان شیعه بعد از ایران است؛ در رفع اختلافات ایران و عربستان بازیگر مناسبی باشد. تماس دهلی‌نو با ریاض و تهران امنیت انرژی این کشور را تأمین نموده و نقش بالقوه‌ای به آن به‌عنوان یک بازیگر ثبات‌آفرین در این منطقه پرآشوب داده است. مخالفت رژیم اسرائیل با توافق هسته‌ای ایران - آمریکا نیز می‌تواند نقش میانجی‌گرانه دیگری به هند



دهد. هند همچنین در حال تقویت مشارکت امنیتی، تجاری و اقتصادی با جمهوری‌های آسیای مرکزی است که حضور این کشور در این منطقه می‌تواند گسترش نفوذ چین را محدود و متوازن سازد.

- سه قدرت چین، هند و پاکستان نقشی کلیدی در آینده منطقه جنوب آسیا ایفاء می‌نمایند. در صورت خروج غرب از افغانستان و کاهش نفوذ آمریکا در این منطقه، روابط استراتژیک این مثلث پیچیده‌تر خواهد شد؛ مگر اینکه هند و چین به‌عنوان دو قدرت بزرگ بتوانند پارامترهای یک نظم منطقه‌ای جدید را تعریف نمایند.

- از سه دهه پیش تاکنون نگرانی امنیتی اصلی هند تلاش پاکستان برای بی‌ثباتی در این کشور، به‌خصوص در کشمیر، پنجاب و دیگر نقاط بوده است. دومین منبع نگرانی هند در قبال پاکستان موضوع افغانستان پس از ناتو است جایی که پاکستان تلاش می‌کند تا کنترل رژیم کابل را از طریق نیروهای نایب خود کسب نماید. سومین موضوع نگرانی هند ادامه اختلافات مرزی این کشور با پاکستان و چین است که می‌تواند منجر به ناامنی هند شود. در نهایت ظهور دولت اسلامی یا داعش تهدیدی بالقوه برای هند خواهد بود چراکه این گروه توان کسب جای پای ایدئولوژیک در این کشور را دارد.

- چندین دهه است که هند نگرانی خود را از روابط استراتژیک پنهان میان چین و پاکستان ابراز کرده است. چین در زمینه توان هسته‌ای و برنامه‌های موشکی کمک‌های بزرگی به پاکستان نموده است. به‌رحال در سال‌های اخیر دهلی‌نو ترجیح داده، مشارکت چین و پاکستان را نادیده گیرد و روابط استراتژیک خود را با آمریکا و کشورهای مختلف اروپایی ارتقا دهد و در عین حال روابط اقتصادی خود با چین را نیز تقویت نماید.

- یکی دیگر از جنبه‌های نگران‌کننده برای هند تقویت مشارکت سه‌جانبه پاکستان، افغانستان و چین است. چین به‌طور باثبات و از طریق ابتکار استراتژی «راه ابریشم جدید» و با ارائه کمک‌های اقتصادی و توسعه‌ای به پاکستان به نگرانی‌های هند در این مورد دامن زده است. پکن به‌طور فزاینده‌ای درگیر ابتکارات «مدیریت منازعات» منطقه‌ای شده و نقش رابط میان طالبان یا کابل را برعهده گرفته است و همچنین به سازمان‌دهی تعاملات استراتژیک سه‌جانبه با افغانستان و پاکستان پرداخته است. برای مثال در فوریه ۲۰۱۵ چین، پاکستان و افغانستان یک گفتگوی استراتژیک سه‌جانبه جدید را در کابل بنا نهادند.

- دیپلماسی هند در تفکر به فراتر از تعاملات دوجانبه با همسایگان و قدرت‌های بزرگ



جهان عاجز است. برای مثال؛ درحالی‌که هند با چین در طیفی از مسائل دوجانبه به تعامل می‌پردازد اما قادر به پیوستن به چین و دیگر همسایگانش در مبارزه با تروریسم، ایجاد ثبات در افغانستان و نشان‌دادن تهدید داعش نیست.

- دولت جدید هند تعامل با همسایگان خود را در صدر اولویت‌های سیاست خارجی قرار داده است. برخلاف رهبران قبلی هند، مودی مایل به استفاده از سیاست خارجی به‌عنوان ابزار ایجاد و جذب سرمایه، تجارت و فناوری برای رشد و توسعه داخلی است. وی به‌عنوان یک فرد عمل‌گرا می‌داند، این امر به ارتقای همکاری منطقه‌ای و ثبات در جنوب آسیا کمک می‌کند اما مشکلات و پیچیدگی‌هایی به‌خصوص از سوی دو قدرت هسته‌ای چین و پاکستان که روابطشان با هند با تنش‌های سیاسی و نظامی همراه است، وجود دارد. به‌هرحال سیاست‌های مودی در قبال این دو کشور در سال اول حکومت وی سبب به‌وجود آمدن تغییرات زیادی شد.

- مودی برای رسیدن به همکاری منطقه‌ای با پاکستان به‌جای تمرکز صرف بر تقویت دولت غیرنظامی پاکستان نیاز به تعامل با ارتش این کشور و شناسایی آنچه آنها از هند می‌خواهند را دارد. از نظر نهادهای امنیتی هند، چین چالشی استراتژیک و نه یک تهدید محسوب می‌شود؛ هند در درجه اول نگران نیات چین در پیگیری مطالبات مرزی خود با هند از طریق تقویت روابط تجاری و دفاعی با همسایگان جنوبی - آسیایی و گسترش نفوذ چین در اقیانوس هند است، اما در همان حال چین بزرگ‌ترین شریک تجاری هند نیز محسوب می‌گردد. دولت مودی اگرچه درصد تقویت پیوندهای تجاری و سرمایه‌گذاری با چین است اما در مقابل این همسایه پر قدرت به‌سختی ایستادگی می‌نماید. برخلاف دولت‌های پیشین، مودی به فکر تشکیل یک جبهه متحد با آمریکا در حوزه امنیت «آسیا - پاسیفیک»، در راستای مقابله با یک چین متخاصم است.